گزارش یک

مقام معظم رهبری در پیامی خطاب به جوانان اروپا و امریکای شمالی:

شناخت اسلام را مستقیماً از قرآن شروع کنید

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پی حوادث اخیر در پیامی به جوانان اروپا و امریکای شمالی فرمودند: در واکنش به سیل پیش‌داوری‌ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی‌واسطه از دین اسلام به دست آورید.

حادثه حمله به مجله موهن «شارلی ابدو» در کشور فرانسه و متهم کردن مسلمانان به تروریسم و خشونت، موج وسیعی از اسلام‌هراسی را علیه اسلام در رسانه‌های وابسته به استکبار ایجاد کرد.

موج وسیع اسلام هراسی در کشورهای اروپایی و امریکای شمالی سبب شد تا رهبر معظم انقلاب طی پیامی به جوانان کشورهای اروپایی و امریکای شمالی آنان را به شناخت بی‌واسطه از اسلام و پیامبر عظیم‌الشأن آن دعوت کنند. این پیام که به طور بی‌سابقه‌ای توسط رسانه‌های مطرح دنیا پوشش داده شد، به نوعی نشان‌دهنده تلاش رهبر معظم انقلاب برای گفت‌وگوی بی‌واسطه با ملت‌های دنیا است که جزو یکی از اصول مهم در دیپلماسی عمومی امروز دنیا محسوب می‌شود و نشان‌دهنده عمق اعتقاد ایشان به دل‌های جوانان برای پذیرش حقیقت است.

متن فارسی این پیام به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری به شرح زیر است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

به عموم جوانان در اروپا و امریکای شمالی

حوادث اخیر در فرانسه و وقایع مشابه در برخی دیگر از کشورهای غربی مرا متقاعد کرد که درباره آنها مستقیماً با شما سخن بگویم. من شما جوانان را مخاطب خود قرار می‌دهم؛ نه به این علت که پدران و مادران شما را ندیده می‌انگارم، بلکه به این سبب که آینده‌ملت و سرزمین‌تان را در دستان شما می‌بینم و نیز حس حقیقت‌جویی را در قلب‌های شما زنده‌تر و هوشیارتر می‌یابم. همچنین در این نوشته به سیاستمداران و دولتمردان شما خطاب نمی‌کنم، چون معتقدم که آنان آگاهانه راه سیاست را از مسیر صداقت و درستی جدا کرده‌اند.

سخن من با شما درباره اسلام است و به طور خاص، درباره تصویر و چهره‌ای که از اسلام به شما ارائه می‌گردد. از دو دهه پیش به این سو ــ یعنی تقریباً پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ــ تلاش‌های زیادی صورت گرفته است تا این دین بزرگ، در جایگاه دشمنی ترسناک نشانده شود. تحریک احساس رعب و نفرت و بهره‌گیری از آن، متأسفانه سابقه‌ای طولانی در تاریخ سیاسی غرب دارد. من در اینجا نمی‌خواهم به «هراس‌ها»ی گوناگونی که تاکنون به ملت‌های غربی القا شده است، بپردازم.

شما خود با مروری کوتاه بر مطالعات انتقادی اخیر پیرامون تاریخ، می‌بینید که در تاریخ‌نگاری‌های جدید، رفتارهای غیرصادقانه و مزورانه‌دولت‌های غربی با دیگر ملت‌ها و فرهنگ‌های جهان نکوهش شده است. تاریخ اروپا و امریکا از برده‌داری شرمسار است، از دوره‌استعمار سرافکنده است، از ستم بر رنگین‌پوستان و غیرمسیحیان خجل است؛ محققین و مورخین شما از خونریزی‌هایی که به نام مذهب بین کاتولیک و پروتستان یا به اسم ملیت و قومیت در جنگ‌های اول و دوم جهانی صورت گرفته، عمیقاً ابراز سرافکندگی می‌کنند. این به‌خودی‌خود جای تحسین دارد و هدف من نیز از بازگو کردن بخشی از این فهرست بلند، سرزنش تاریخ نیست، بلکه از شما می‌خواهم از روشنفکران خود بپرسید چرا وجدان عمومی در غرب باید همیشه با تأخیری چند ده ساله و گاهی چند صد ساله بیدار و آگاه شود؟

چرا بازنگری در وجدان جمعی، باید معطوف به گذشته‌های دور باشد نه مسائل روز؟ چرا در موضوع مهمی همچون شیوه‌برخورد با فرهنگ و اندیشه‌اسلامی، از شکل‌گیری آگاهی عمومی جلوگیری می‌شود؟

شما به خوبی می‌دانید که تحقیر و ایجاد نفرت و ترس موهوم از «دیگری»، زمینه‌مشترک تمام آن سودجویی‌های ستمگرانه بوده است. اکنون من می‌خواهم از خود بپرسید که چرا سیاست قدیمی هراس‌افکنی و نفرت‌پراکنی، این‌بار با شدتی بی‌سابقه، اسلام و مسلمانان را هدف گرفته است؟ چرا ساختار قدرت در جهان امروز مایل است تفکر اسلامی در حاشیه و انفعال قرار گیرد؟ مگر چه معانی و ارزش‌هایی در اسلام، مزاحم برنامه‌قدرت‌های بزرگ است و چه منافعی در سایه‌تصویرسازی غلط از اسلام، تأمین می‌گردد؟ پس خواسته‌اول من این است که درباره‌انگیزه‌های این سیاه‌نمایی گسترده علیه اسلام پرسش و کاوش کنید.

خواسته‌دوم من این است که در واکنش به سیل پیش‌داوری‌ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی‌واسطه از این دین به دست آورید. منطق سلیم اقتضا می‌کند که لااقل بدانید آنچه شما را از آن می‌گریزانند و می‌ترسانند، چیست و چه ماهیتی دارد. من اصرار نمی‌کنم که برداشت من یا هر تلقی دیگری از اسلام را بپذیرید بلکه می‌گویم اجازه ندهید این واقعیت پویا و اثرگذار در دنیای امروز، با اغراض و اهداف آلوده به شما شناسانده شود.

اجازه ندهید ریاکارانه، تروریست‌های تحت استخدام خود را به عنوان نمایندگان اسلام به شما معرفی کنند. اسلام را از طریق منابع اصیل و مآخذ دست اول آن بشناسید. با اسلام از طریق قرآن و زندگی پیامبر بزرگ آن (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آشنا شوید.

من در اینجا مایلم بپرسم آیا تاکنون خود مستقیماً به قرآن مسلمانان مراجعه کرده‌اید؟ آیا تعالیم پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و آموزه‌های انسانی و اخلاقی او را مطالعه کرده‌اید؟ آیا تاکنون به جز رسانه‌ها، پیام اسلام را از منبع دیگری دریافت کرده‌اید؟ آیا هرگز از خود پرسیده‌اید که همین اسلام، چگونه و بر مبنای چه ارزش‌هایی طی قرون متمادی، بزرگ‌ترین تمدن علمی و فکری جهان را پرورش داد و برترین دانشمندان و متفکران را تربیت کرد؟

من از شما می‌خواهم اجازه ندهید با چهره‌پردازی‌های موهن و سخیف، بین شما و واقعیت، سد عاطفی و احساسی ایجاد کنند و امکان داوری بی‌طرفانه را از شما سلب کنند. امروز که ابزارهای ارتباطاتی، مرزهای جغرافیایی را شکسته است، اجازه ندهید شما را در مرزهای ساختگی و ذهنی محصور کنند.

اگرچه هیچ‌کس به‌صورت فردی نمی‌تواند شکاف‌های ایجاد شده را پر کند، اما هر یک از شما می‌تواند به قصد روشنگری خود و محیط پیرامونش، پلی از اندیشه و انصاف روی آن شکاف‌ها بسازد. این چالش از پیش طراحی شده بین اسلام و شما جوانان، اگرچه ناگوار است اما می‌تواند پرسش‌های جدیدی را در ذهن کنجکاو و جست‌وجوگر شما ایجاد کند. تلاش در جهت یافتن پاسخ این پرسش‌ها، فرصت مغتنمی را برای کشف حقیقت‌های نو پیش روی شما قرار می‌دهد.

بنابراین، این فرصت را برای فهم صحیح و درک بدون پیش‌داوری از اسلام از دست ندهید تا شاید به یمن مسئولیت‌پذیری شما در قبال حقیقت، آیندگان این برهه از تاریخ تعامل غرب با اسلام را با آزردگی کمتر و وجدانی آسوده‌تر به نگارش درآورند.

سیدعلی خامنه‌ای

موشک‌های ایران اهداف صهیونیستی را تحت تأثیر قرار می‌دهد

دفاعی

جانشین فرمانده سپاه با بیان اینکه موشک‌های ما همه اهداف رژیم‌صهیونیستی را به صورت بالفعل و بالقوه تحت تأثیر قرار می‌دهد، گفت: همه امکانات ما در اختیار جهان اسلام است.

به گزارش فارس، سردار حسین سلامی جانشین فرمانده کل سپاه و عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی در همایش مشترک اعضای دانشگاه‌های دفاع ملی ایران و عمان که صبح پنج‌شنبه برگزار شد، اظهار داشت: دو کشور ایران و عمان دارای پیشینه و سابقه درخشانی از روابط دوستی و برادری هستند و در هیچ برگی از تاریخ مناسبات این دو کشور هیچ‌گونه نشانه منفی‌ای دیده نمی‌شود. جانشین فرمانده سپاه خاطرنشان کرد: اولین راهبرد دشمنان ایجاد تفرقه در جهان اسلام است. آنها به دنبال شکستن وحدت و درگیر کردن انرژی‌های درون اسلام به جای مقابله با استعمار و استکبار هستند. دشمن این تجربه تاریخی را دارد که همواره با شکستن وحدت و ایجاد تفرقه می‌تواند پیروز شود و متأسفانه برخی از دولت‌های اسلامی در میدان غربی‌ها بازی می‌کنند و از لنز اسرائیلی‌ها به مسائل جهان اسلام می‌نگرند.

سلامی تأکید کرد: اسرائیل بسیار کوچک و ضعیف است و تنها هنگامی قدرتمند می‌شود که مسلمانان ضعیف شوند. این یک معادله امنیتی و واقعیت است.

جانشین فرمانده کل سپاه گفت: جمهوری اسلامی ایران در میدان‌های عظیمی تا سرحد به مخاطره انداختن امنیت ملی خود پای حمایت از مسلمانان ایستاده است که حمایت از مسلمانان بوسنی و هرزگوین یک نمونه از آن است البته ما نمی‌توانیم همه واقعیت‌های آن حمایت را آشکار کنیم. همچنین تولد حزب‌الله در لبنان و شکست چندباره رژیم‌صهیونیستی از رزمندگان لبنانی و فلسطینی از موارد دیگر است.

عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی در ادامه سخنانش تصریح کرد: راهبرد دیگر دشمن، ایران‌هراسی است و می‌خواهد چهره‌ای خطرناک از ایران برای دیگران بسازد اما همه مسلمانان عالم با ملت ما از زاویه اسلام و انقلاب برای ما هیچ فرقی نمی‌کنند. همه مسلمانان ید واحده هستند.

جانشین فرمانده کل سپاه با تأکید بر اینکه ما به وحدت امر شده‌ایم و پاسدار این وحدت خواهیم ماند، گفت: ما در تحریم دشمنان رشد کرده‌ایم و آموخته‌ایم در هر محوری که مقاومت کنیم پیشرفت خواهیم کرد.

گزارش ۲ | مهدی پورصفا

تیر خودی بر قلب گفتمان نفوذ منطقه‌ای ایران در غرب آسیا

به نظر می‌سد برخی نادانسته یا دانسته در جهت تخریب سرمایه گفتمانی نظام در سطح منطقه حرکت می‌کنند که نمونه بارز و واضح این مسئله شعار نه غزه و نه لبنان از سوی آشوبگران در جریان فتنه سال ۸۸ بود.

تحولات پس از آغاز قرن بیست و یکم عملاً نظم‌های قبلی را در دنیا و به خصوص در خاورمیانه به هم ریخت. به دنبال حادثه یازدهم سپتامبر زمینه‌ای را فراهم کرد که با حمله امریکا توازن موجود در سطح منطقه بر هم خورده و آرایشی جدید در منطقه شکل بگیرد. برخی بازیگران منطقه در بازی داخلی حذف شدند و بازیگران جدیدی پا به عرصه بازی نهادند که امروز نظم تازه‌ای را در سطح منطقه پدید آورده‌اند. از سوی دیگر با آغاز بیداری اسلامی موج دیگری از نابسامانی خاورمیانه را فراگرفت. این تغییرات در حقیقت منشأ قیام مردم بود که از نابسامانی‌های داخلی به تنگ آمده‌اند.

موج سوم نابسامانی‌ها با اوج‌گیری جریان‌های تکفیری از سال ۲۰۱۴ و شعله‌ور شدن جنگ‌های طایفه‌ای و مذهبی در منطقه غرب‌آسیا آغاز شد. تمایز این موج با امواج قبلی نابسامانی‌های سیاسی را در از بین رفتن مرزهای بین‌المللی و تغییر در مفهوم سنتی دولت- ملت می‌توان دید. امواج نابسامانی‌های سیاسی در طول ۱۵ سال گذشته، باعث شده است برخی بازیگران قدیمی که هنوز حضور دارند، نقش خود را از دست بدهند و برخی بازیگران، نقش برجسته‌ای در بازی سیاست در منطقه به دست آورند. نظم و توازن قوا در منطقه به هم خورده است و تلاش‌ها برای زمینه‌سازی نظمی جایگزین، آغاز شده است. اما سؤال اینجاست که در این شرایط و با اتفاقاتی که در عرصه خاورمیانه روی داده است، چه کشوری در منطقه خاورمیانه توانسته است ضریب نفوذ خود را در سطح منطقه‌ای گسترده کند. شاید از همین روست که منطقه غرب‌آسیا این روزها شاهد رقابتی جدی برای گسترش شعاع نفوذ میان قدرت‌های منطقه‌ای است.

■ دشمن به چه چیز اعتراف می‌کند

شاید در این رابطه لازم باشد که سری به جبهه دشمن بزنیم و ببینیم که در این رابطه صاحبنظران غربی چه نظری دارند. با گشتی کوتاه در رسانه‌های غربی متوجه می‌شویم که اغلب رسانه‌های غربی، ایران را اصلی‌ترین قدرت مطرح در عرصه کشورهای جنوب شرقی آسیا می‌دانند. شاید روشن‌ترین مثال در این زمینه مقاله‌ای است که روزنامه واشنگتن پست در شماره چندی پیش خود منتشر کرده است. روزنامه «واشنگتن‌پست» در گزارشی به قلم «چالز کروتامر» که به تیتر «امپراتوری در حال ظهور ایران» منتشر کرده، هرچند در راستای ترویج ایران‌هراسی است، اما اذعان کرده است که توان ایران در منطقه روز به روز در حال گسترش یافتن است و امریکا این واقعیت را نادیده گرفته است.

نویسنده این روزنامه در گزارش خود می‌افزاید: با این حال، به نظر می‌رسد دولت اوباما آماده کنار آمدن با واقعیت چیرگی ایران در سوریه است. دولت به نیویورک‌تایمز گفته است که در حال عقب‌نشینی از شرط برکناری اسد است. این برای سعودی‌ها و دیگر اعراب خلیج (فارس)، یک کابوس است. آنها درگیر نبرد منطقه‌ای عظیم با ایران هستند و در این نبرد در حال شکست خوردن هستند. آنها یمن را می‌بازند، لبنان را می‌بازند، سوریه را می‌بازند و می‌بینند که عراق در دوران پس از خروج ایالات متحده، چطور به صورتی فزاینده تحت نفوذ ایران قرار می‌گیرد. واقعیت این است که امروز کمتر کسی است که نفوذ ایران در سطح منطقه‌ای را باور نداشته باشد.

تحلیلگران اروپایی معتقدند که به‌زودی شاهد قدرت‌نمایی ایران در سراسر منطقه غرب‌آسیا خواهیم بود. آنها به‌هیچ‌وجه بعید نمی‌دانند که در آینده‌ای نزدیک، ایدئولوژی ایرانی به یکی از بارزترین ایدئولوژی‌های خریدار منطقه‌ای تبدیل شود و ایران صاحب جایگاهی بالا و پُرنفوذ و تأثیرگذار در منطقه غرب‌آسیا شود. برای همین، آنها توصیه می‌کنند که باید خود را برای ایرانی قدرتمند در منطقه غرب‌آسیا، آماده کنیم.

■ کلید حل بحران‌های منطقه‌ای در دستان ایران

واقعیت این است که امروز کلید حل بسیاری از مشکلات منطقه در دستان ایران است. بن‌بست‌های بین‌المللی زیادی هم‌اکنون در برابر امریکا و جهان غرب قرار دارند.

تشدید تنش‌های بین اسرائیل و فلسطینیان با نتایج غیرقابل پیش‌بینی، بحران نظامی بین روسیه و اوکراین که غرب از حل‌وفصل آن عاجز است، همچنین پدیده داعش در عراق و سوریه که مقابله با آن برای غرب، بسیار مشکل و پیچیده جلوه می‌کند، در فهرست این مشکلات و معضلات قرار می‌گیرند. این در حالی است که ایران در مرکز شناخت تمامی مشکلات کنونی منطقه غرب‌آسیا قرار دارد. این موقعیت مرکزی و فوق‌العاده ایران در منطقه غرب آسیا، نه تنها به‌لحاظ وزن غیرقابل انکار ایران در منطقه، نه فقط به‌خاطر نقش و نفوذ این کشور بزرگ منطقه غرب‌آسیا در چندین درگیری مهم منطقه‌ای، بلکه به‌لحاظ موقعیت ژئوپلتیک خاص و بسیار نادر سرزمین ایران است. در واقع، ایران یکی از معدود کشورهایی است در جهان که در آن، غرب و روسیه می‌توانند تلاش‌های خود را هماهنگ کنند، با یکدیگر جمع کنند و پیوند بزنند.

چنین نفوذی در سطح منطقه است که سبب می‌شود گزارشگر روزنامه واشنگتن پست به صراحت از شکل‌گیری یک امپراتوری جدید در منطقه خبر دهد.

■ نفوذ ایران از چه جنسی است

با این حال، بایستی تأکید کرد که نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه، نفوذی گفتمانی و از جنسی متفاوت با سلطه‌طلبی غربی است. حضور و نفوذ جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه غرب‌آسیا، دارای سه وجه مکمل است. وجه اول، فرهنگ دینی با تأکید بر وحدت شیعه و سنی و پرهیز از طایفه‌گرایی است که میان ایران و مردم منطقه، نوعی همبستگی را به وجود می‌آورد. وجه دوم، فرهنگ سیاسی و الگوی مردم‌سالاری دینی است که به‌عنوان الگویی بومی، برای تلفیق دین و دموکراسی و در مقابل الگوی لیبرال دموکراسی غربی مطرح شده است. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ توانست برای اولین بار حکومتی بر مبنای اصول اسلامی به‌وجود بیاورد و این یعنی تولد یک پیشاهنگ برای جنبش‌های اسلامی که سال‌ها بود دچار رکود و درجازدگی شده بودند. این انقلاب اسلامی ایران بود که به حرکت‌ها و نهضت‌های جهان اسلام امید و انسجام و به باورهای فکری و نظری این جنبش‌ها عینیت بخشید.

وجه سوم، استکبارستیزی جمهوری اسلامی ایران در کنار به رسمیت نشناختن رژیم‌صهیونیستی است. گفتمانی که بیشترین طرفدار را در میان توده‌های محروم منطقه غرب‌آسیا دارد. استکبار از دیدگاه فرهنگ سیاسی اسلام، وجود نوعی سلطه‌گری و سلطه‌جویی و بهره‌کشی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی توسط اقلیت محدودی زورگو و نفع‌طلب بر خیل عظیم توده‌های محروم است. استکبار می‌تواند داخلی باشد به همان طریق که یک عده دیکتاتور و زورگو بر ملت‌های محروم تحت سلطه خود حاکمیت داشته و آنها را تحت فشار و ظلم قرار دهند. همچنین می‌تواند بین‌المللی باشد، بدین معنا که دولت یا کشوری، سایر جوامع و ملت‌ها را استثمار کنند و به استضعاف بکشاند. انقلاب کرامت و موج جدید بیداری اسلامی در منطقه گواهی بر نفوذ گفتمان استکبارستیزی در میان ملت‌های منطقه است.

این ویژگی‌های سه‌گانه باعث تقویت نفوذ جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه است. مثلثی که ستون‌های اصلی قدرت نرم ایران در منطقه غرب آسیا را شکل می‌دهند. از همین روست که می‌توان مدعی شد نفوذ ایران با نفوذ غرب در منطقه متفاوت است. اصولاً غرب به‌واسطه حضور نظامی در منطقه، دارای نفوذ است.

■ تخریب سرمایه گفتمانی نظام در منطقه

حالا سؤال اینجاست که آیا تمام تلاش ارکان نظام نباید حفظ این سرمایه ارزشمند گفتمانی در عرصه خارجی باشد. واقعیت آن است که بدون تردید چشم بسیاری از مردم منطقه به رفتار و منش ایران با مستکبرین است و هرگونه حرکت در خلاف این مسیر را دوری ایران از آرمان‌هایی می‌دانند که سال‌ها و در طول گذشت ۳۵ سال از انقلاب اسلامی بر آن تأکید می‌کرد. در این میان به نظر می‌رسد برخی نادانسته یا دانسته در جهت تخریب این سرمایه ارزشمند حرکت می‌کنند. شاید نمونه بارز و واضح این مسئله شعار نه غزه و نه لبنان از سوی آشوبگران در جریان فتنه سال ۸۸ بود که البته با واکنش محکم ملت ایران در ۹ دی ماه روبه رو شد. در طول مذاکرات اخیر ۱+۵ با ایران نیز حرکاتی به وقوع پیوست که بر خلاف آرمان و اراده ملت ایران در مبارزه با استکبار بود. پیاده‌روی ظریف با جان کری می‌تواند پیام روشنی باشد از آنچه عدول از مواضع انقلابی تعبیر شود.

دولت یازدهم باید بداند که سرمایه مبارزه با استکبار و نفوذ در سطح منطقه است که غربی‌ها را پای میز مذاکره با ایران می‌آورد.

یادداشت

سعید همتی

دفاع معنادار تجدیدنظرطلبان از پیاده‌روی ظریف

در روزهایی که اکثریت جامعه از پیاده‌روی غیرضروری ظریف و کری به شدت ناراحت بوده و به اشکال مختلف این ناراحتی را ابراز می‌کنند، جریان رسانه‌ای منسوب به طیف تجدیدنظرطلبان به مانند بسیاری از موضوعات گذشته برخلاف جریان آب شنا کرده و از رفتار وزیر امور خارجه حمایت می‌کنند. دلیل عمده حمایت جریان مدعی اصلاحات از اقدام ظریف در «دیپلماسی»! خیابانی این است که در اندیشه و تفکرات این نحله فکری هر اقدام و رفتاری که باعث تطهیر چهره نظام سلطه و عادی‌سازی روابط ایران و ایالات متحده امریکا شود را باید به فال نیک گرفت و از آن حمایت کرد؛ به این دلیل که قبح ۳۷ ساله روابط ایران با غرب و به‌خصوص امریکا باید در افکار عمومی ریخته شود، چرا که بسیاری از اهداف حزبی آنها در گرو چنین موضوعی است.

به عنوان نمونه روزنامه ابتکار با انتشار تصویر بزرگ ظریف در صفحه نخست خود و انتخاب تیتر جهت‌دار «حاشیه‌های دو قدم راه» نوشته است: «خط‌ونشان محافظه‌کاران - که هر بار می‌خواهند موضعی را بمباران کنند، رسانه‌های پر پول بیت‌المال را بسیج می‌کنند و پشت خاکریزهای رانتی خبر می‌ایستند - آشکارتر شده است و سر خط خبرها به سمت و سویی رفته تا از «کاه» ظریف «کوه» بسازند و برای کوفتنش به صحرای کربلا بزنند.»

این روزنامه در ادامه می‌آورد: «...اما مخالفان ایرانی به نظر می‌رسد با انتقادات فعلی، میلی به نتیجه بخشی مذاکره دولت تدبیر و امید ندارند و شاید از ۱۰ سال عقب رفت در مذاکره محافظه‌کاران وطنی درس نگرفته‌اند و می‌خواهند مذاکرات به شکست بینجامد و «روز از نو روزی از نو....»

روزنامه اعتماد هم تصویر ظریف را عکس یک کرده و با ادبیاتی تند تیتر «ظریف زیر تیغ» را انتخاب کرده و نوشته: «روزهای زمستانی محمدجواد ظریف با مجموعه انتقادها و پاسخ‌ها با هم ممزوج شده است. انتقادها یک علت خاص دارد و منتقدان همان‌هایی هستند که در ۱۶ ماه پس از روی کار آمدن دولت مشغول انتقاد از او بوده‌اند. محمدجواد ظریف آن کسی نبود که انتقادات از او تأثیر منفی روی مدافعانش بگذارد. گستره مدافعانش هر روز گسترده‌تر می‌شد و در این میان منتقدان هم در مورد انتقادات‌شان قانع نمی‌شدند. این‌بار اما دومین ماه زمستان در شرایطی برای وزیر دولت آغاز شد که سفر هفته گذشته او به «عروس اروپا» بهانه‌ای شد برای آغاز انتقادها از او. یک پیاده‌روی ساده در خیابان‌های ژنو با وزیر امور خارجه امریکا هم بساط بقیه انتقادها را تکمیل کرد. حالا فصل انتقادهای جدید بود که مهم‌ترین و شدیدترین آنها روز گذشته صورت گرفت.»

آرمان هم مانند دیگر روزنامه‌های زنجیره‌ای از این اقدام نابجا دفاع کرده و نوشته: آخرین موضوعی که سروصدای زیادی به دنبال داشت، پیاده‌روی ظریف و کری یعنی وزرای خارجه ایران و امریکا به مدت یک ربع بود؛ پیاده‌روی در خیابان‌های ژنو و بدون ابا از عکس گرفتن عکاسان و مخابره این خبر به رسانه‌های جهان! برای اولین‌بار بود که دو وزیر خارجه ایران و امریکا در حال قدم زدن در انظار عمومی ظاهر می‌شوند که با توجه به روابط سیاسی دو کشور امری قابل توجه و بدیع محسوب می‌شود. ظریف سال‌ها تجربه حضور در عرصه دیپلماسی و تعامل با مسئولان کشورهای جهان را دارد. چهره‌اش هم همیشه بشاش است و برخی در داخل کشور این را دوست ندارند. ظریف بلد است که چگونه باید در کنار وزیر خارجه امریکا برتری ایران را نشان دهد چنانکه پس از پیاده‌روی، جلوتر از او وارد محل تعیین‌شده می‌شود. زمانی که کری را دست در جیب مشاهده می‌کند، او هم دستانش در جیبش فرو می‌رود که مبادا برخی دلواپس دست‌های بیرون از جیب آقای وزیر خارجه شوند.

روزنامه شرق هم تیتر نخست خود را به موضوع «واکنش سخنگوی دولت به منتقدان ظریف» اختصاص و دفاع سخنگوی دولت از پیاده‌روی را مورد توجه قرار داده است.

روزنامه ایران پایگاه اختصاصی دولت هم مانند دیگر همفکران رسانه‌ای خود در یادداشتی به دفاع تمام قد از اقدام سؤال‌برانگیز ظریف پرداخته و نوشته: «همان‌طور که اصول رفتاری مردم عادی امروز با ۳۰ سال پیش فرق می‌کند، سیاستمداران و به تبع ایشان دیپلمات‌ها هم اصرار ندارند در تمامی موارد و موقعیت‌ها رفتار مطابق «پروتکل» از خود نشان دهند و این الزاماً به معنای ناآگاهی، بی‌احترامی به مخاطب یا خودکم‌بینی نیست. به علاوه قضاوت درباره رفتار هر کس نیز با توجه به فرهنگ جامعه خود او صورت می‌گیرد. در فرهنگ اروپا و امریکا پا روی پا انداختن (در شکل طبیعی‌اش) زننده نیست. نزد ما ایرانیان هم چنین نیست.

این روزنامه ادامه می‌دهد: همانقدر که ساده‌لوحی و نادیده گرفتن بی‌ادبی طرف مقابل بد است، سختگیری بیجا و تفسیر بدبینانه هر حرکت طرف مقابل هم ما را به نداشتن اعتماد به نفس متهم می‌کند. سخن از بی‌اهمیت بودن رفتارهای دیپلماتیک نیست. ولی این گفتار همگان را به دقت درباره امری مهم‌تر از تشریفات و لباس و نشست و برخاست فرا می‌خواند.»

رویکرد امروز رسانه‌های این جناح که همواره جریان تجدیدنظرطلب سخنی غیر از آنچه بر زبان مردم کشورمان است را ابراز و طوری عمل کنند که اهداف حزبی‌شان اقتضا می‌کند نه آنچه جماعت به دنبال آن است و همین رویکرد منجر به آن شد که مردم پس از سال ۸۰ که هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری کشور برگزار شد، دیگر به منسوبان به این جریان اقبال عمومی نشان نداده و سعی کنند افرادی را انتخابات کنند که وابسته به طیف مدعی اصلاحات نباشد.

از سال ۸۰ به بعد هم طیف تجدیدنظرطلب در انتخابات نهم، دهم و یازدهم ریاست جمهوری و همچنین انتخابات هفتم، هشتم و نهم مجلس طعم تلخ شکست را تجربه کرد و با دست رد مردم مواجه شد چراکه هیچگاه افکارعمومی به این باور نرسیده‌اند که طیف هواخواه غرب در داخل به دنبال محقق کردن مطالبات اکثر جامعه است و بارها به عینه دیده‌اند که به محض به قدرت رسیدن این طیف اهداف حزبی و جناحی اولویت قرار گرفته و مرتفع نمودن مشکلات و معضلات معیشتی و اقتصادی مردم به کناری زده می‌شود.

این مردم هنوز فراموش نکرده‌اند که مدعیان اصلاح‌طلبی از سال ۷۶ تا ۸۴ تنها به فکر پیاده‌سازی شعارهایی جناحی نظیر توسعه سیاسی، گفت‌وگوی تمدن‌ها و دهها شعار روشنفکرانه بودند که هیچ جنبه‌ای از مشکلات مردم را در نظر نداشت و تنها به فکر آن بود تا خواسته‌های دسته‌چندم احزاب دوقلو مشارکت و مجاهدین رنگ تحقق بیابد. این را هم باید مورد توجه قرار داد که افکار عمومی همچنان منتظر عذرخواهی و تغییر رفتار رئیس دستگاه دیپلماسی کشورمان بوده و توقع دارند که وزیر امور خارجه کشورمان نسبت به آنچه انجام داده صراحتاً اعلام ندامت کرده و متعهد شود در آینده به بهانه مذاکرات سخت هسته‌ای دست به اقدامات هزینه‌زا و چالش‌برانگیز نزند.

هر چند که تجدیدنظرطلبان تمام سازوکار و تشکیلات خود را برای موفقیت در انتخابات پیش رو آماده کرده و به هیچ عنوان تمایل ندارند طعم تلخ شکست‌های پیاپی گذشته استمرار یابد اما با بررسی رفتار پدرخوانده‌ها و به تبع آن رسانه‌های آنها می‌توان گفت که شنا کردن اصلاحات بر خلاف جریان آب که عموم مردم با آن حرکت می‌کنند نقطه‌های امید بخش را برای آنها بسیار کمرنگ کرده و انتظار می‌رود در آوردگاه‌های انتخابات آتی نوار شکست‌های آنها بریده نشده و اتفاقات سال‌های گذشته برای آنها تکرار شود.

گزیده خبر

قدم زدن ظریف با کری خطا بود

قدم زدن وزیر خارجه با فردی که شب و روز برای نابودی نظام جمهوری اسلامی تلاش می‌کند، خطا بود و ما از آقای ظریف انتظاری غیر از این داشتیم.

نادر قاضی‌پور نماینده مردم ارومیه در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با فارس، با اشاره به قدم زدن وزیر امور خارجه کشورمان با وزیر امور خارجه امریکا گفت: قدم زدن وزیر امور خارجه با فردی که شب و روز برای نابودی نظام مقدس جمهوری اسلامی تلاش کرده و هزینه می‌کند، محکوم است و ان‌شاءالله وزیر خارجه در جلسه کمیسیون امنیت ملی پاسخگوی این رفتار خود باشد.

وی افزود: انتظار داشتیم که آقای ظریف به عنوان یک فرد شیعه و به عنوان سفیر نظام اسلامی در بحبوحه جریان اهانت نشریه فرانسوی به رسول اکرم(ص) واکنش مناسبی را چه در قالب مصاحبه و تذکر یا فراخواندن سفیر فرانسه به وزارت امور خارجه نشان می‌داد و نگرانی مقامات مسئول و مراجع تقلید را به آنان گوشزد می‌کرد. عضو هیئت رئیسه فراکسیون اصولگرایان رهروان ولایت مجلس اظهار داشت: از آنجایی که سیاست نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران عین دیانت ماست و پیشوای اول دینی ما پیامبر اکرم(ص) است، هر فردی که به پیامبر ما اهانت کند دشمن درجه یک ماست و وارد خطوط قرمز شده است.